

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته ادامه بحث از احتمالات در معنای سبعة احرف از تفسیر البیان مورد نقد و تحلیل قرار گرفت، احتمال چهارم در معنای «سبعة أحرف»، بر نزول قرآن بر هفت لغت فصیح (قریش، هذیل، هوازن، یمن، کنانه، تمیم و ثقیف) استوار است که توسط جماعتی از علمای اهل سنت پذیرفته شده است. آیت الله خویی (ره) این دیدگاه را با این استدلال که با موارد روایات مربوطه سازگار نیست، نقد می‌کنند. حضرت استاد در توضیح اشکال مرحوم خویی فرمودند: در این روایات غایتی همچون عدم اختتام آیه رحمت با آیه عذاب، ذکر شده است که با تفسیر «أحرف» به لغات فصیح همخوانی ندارد.

علاوه بر این، آیت الله خویی به روایاتی از عمر بن خطاب (ره) و عثمان بن عفان (ره) استناد می‌کنند که بر نزول قرآن به لغت مضر و قریش تأکید دارند و با فصیح دانستن همه لغات مذکور در این احتمال در تعارض است.

احتمال پنجم، «أحرف سبعة» را به لغات قبیله مضر، شامل قریش، اسد، کنانه، هذیل، تمیم، ذبه و قیس، منحصر می‌کند که اشکالات مطرح شده در احتمال چهارم بر آن وارد است. احتمال ششم، «أحرف سبعة» را به اختلاف در قرائات مرتبط می‌داند و مواردی از قبیل تغییر در حرکت، صورت و معنای کلمات، تقدیم و تأخیر، و زیاده و نقصان را به عنوان مصادیق آن برمی‌شمارد. با این حال، آیت الله خویی (ره) این دیدگاه را نیز به دلیل عدم وجود دلیل کافی و ناآشنایی مخاطبان روایات «سبعة أحرف» با این نوع اختلافات، مورد نقد قرار می‌دهند.

جایگاه فراگیری فقه و اصول در فهم قرآن کریم

دقت نظر در بررسی و نقد احتمالات مختلف در معنای «سبعة احرف»، نشان از قوت اصولی مرحوم خویی دارد. ایشان با تکیه بر مبانی استنباط است که می‌تواند به درستی یا نادرستی یک حدیث پی ببرد، احادیث جعلی را تشخیص دهد، و سازگاری یا ناسازگاری یک روایت با قرآن کریم را تعیین نماید.

متأسفانه، گاهی این سوال مطرح می‌شود که چه نیازی به تحصیل علوم حوزوی و مجتهد شدن وجود دارد، یا اینکه تعداد اندکی مرجع تقلید برای جامعه کافی است. این تصور درستی نیست. تحصیل علوم دینی برای شناخت صحیح دین و کسب توانایی تشخیص احادیث صحیح از ناصحیح ضروری است. اگر روایتی مانند «نزول قرآن بر هفت حرف» صحیح تلقی شود، می‌تواند به تفاسیر متعددی از قرآن کریم منجر شود. از آنجا که قرآن کتابی بی نظیر و جاودانه است، جدایی از آن ممکن نیست. تنها فقیه است که می‌تواند تشخیص دهد که آیا روایتی با قرآن سازگار است یا خیر. بنابراین، این فقیه است که می‌تواند بدعت در دین را تشخیص دهد، نه فیلسوف. فقیه به احکام و مسائل شرعی احاطه دارد، در حالی که فیلسوف صرفاً به قواعد فلسفی محدود است. برای مثال، فیلسوف ممکن است به برهان صدیقین در اثبات وجود خداوند استناد کند، اما نمی‌تواند به درستی تشخیص دهد که آیا زیارت اولیاء الهی شرک است یا خیر.

به همین ترتیب، تبیین و فهم صحیح روایتی مانند «نزل قرآن بر هفت حرف» از عهده فیلسوف بر نمی آید و نیازمند تسلط بر علوم دینی است. بررسی دقیق کلمات مرحوم آیت الله خویی (ره) در مورد این روایت حائز اهمیت است، زیرا این روایت از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در مجالس علمی اهل سنت نیز مورد بحث قرار می گیرد.

متأسفانه، بسیاری از علمای اهل سنت معنای درستی برای این روایت ارائه نمی دهند و تفاسیر آنها نهایتاً به قول به تحریف قرآن می انجامد. سپس، با استناد به همین روایت، شیعه را که دارای غنای علمی و قرآنی فراوانی است، به تحریف قرآن متهم می کنند. از این رو، لازم است با دقت و حوصله این بحث را پیگیری نماییم.

اشکالات مرحوم خویی در احتمال ششم

مرحوم آیت الله خویی (ره) در نقد احتمال ششم، اشکالاتی را مطرح نموده اند. [1] نخست آنکه این قول بلا دلیل است. اشکال دوم ایشان این است که مبنای تقسیم ارائه شده در این احتمال صحیح نیست. به عنوان مثال، در وجوه اختلاف قرائت، گاهی قرائت موجب تغییر معنا می شود و گاهی نمی شود. در حالی که تغییر یا عدم تغییر معنا نمی تواند مبنای درستی برای تقسیم باشد، زیرا وضعیت لفظ و قرائت با تغییر معنا تغییر نمی کند. به عبارت دیگر، نسبت اختلاف به لفظ در این حالت، از قبیل وصف شیء به حال متعلق است. لذا، اختلاف در «طلح منضود» و «کالعهن المنفوش» در یک قسم قرار می گیرند.

به طور خلاصه، اشکال دوم ایشان این است که اختلاف قرائت باید به خود لفظ مربوط باشد و تغییری در آن ایجاد کند. تغییر معنا به خودی خود نمی تواند مبنای تقسیم «سبعة أحرف» قرار گیرد.

اشکال سوم: تنافی بین مکتوب و مقروء بودن قرآن

اشکال سوم ایشان به تقسیم دیگری در همین احتمال مربوط می شود. در این احتمال، اختلاف قرائت به دو نوع تقسیم شده است: 1. اختلاف در قرائت با بقای صورت لفظ. 2. اختلاف در قرائت با تغییر صورت لفظ. مرحوم آیت الله خویی (ره) معتقدند که این تقسیم نیز صحیح نیست، زیرا صورت لفظ مربوط به مکتوب است، نه مقروء.

به عبارت دیگر، قرآن عبارت است از الفاظی که از جانب خداوند متعال نازل شده است، نه آنچه بر صفحه کاغذ نوشته شده است. قرآن به این دلیل «قرآن» نامیده می شود که قابل قرائت است. بین قرآن و مکتوب تفاوت وجود دارد. تقسیم ارائه شده در این احتمال به مکتوب مربوط است، در حالی که بحث ما پیرامون مقروء است.

اشکال چهارم: منافات اختلاف قرائات با نزول قرآن بر حرف واحد

اشکال چهارم ایشان این است که صریح روایات «سبعة أحرف» دلالت بر این دارد که قرآن در ابتدا بر یک حرف نازل شده و سپس «سبعة أحرف» مطرح شده است. پیامبر اکرم (ص) از خداوند متعال درخواست نمودند که قرآن بر حرف دوم و سوم نیز نازل شود. حال، این سوال مطرح می شود که آیا آن حرف واحد، یکی از همین اختلاف قرائات بوده است؟ به نظر ایشان، پاسخ منفی است. آن حرف واحد نمی تواند یکی از این قرائات (تقدیم و تأخیر، زیاده و نقصان و غیره) باشد. روایات دلالت دارند که قرآن در بدو نزول بر یک حرف واحد نازل شده است که غیر از این قرائات بوده است.

اشکال پنجم: مورد اتفاق بودن بخش زیادی از قرآن

اشکال پنجم ایشان این است که بخش قابل توجهی از قرآن کریم مورد اتفاق قراء است و اختلافی در قرائت آن وجود ندارد. اگر این موارد اتفاقی را به اقسام هفتگانه فوق اضافه کنیم، تعداد حروف قرآن به هشت افزایش می یابد، نه هفت حرف.

اشکال ششم: اختلاف قرائت در کلمات، نه در نحوه بیان حروف

اشکال ششم ایشان این است که مورد روایات «سبعة أحرف»، اختلاف قرائت در کلمات است. به عنوان مثال، در داستان عمر

و ابن مسعود (ره) در مورد قرائت «حتی حین» به صورت «عتی حین»، اختلاف در کلمه است، نه در نحوه بیان یک حرف از کلمه. اگر اختلاف قرائت را به معنای اختلاف در نحوه بیان یک حرف از کلمه بدانیم، این تنها یک حرف از هفت حرف خواهد بود. در این صورت، نیازی نبود که پیامبر اکرم (ص) برای رفع خصومت میان عمر و ابن مسعود (ره) به نزول قرآن بر هفت حرف استناد نمایند.

همچنین، نمی توان نزول جبرئیل (ع) با یک حرف، سپس دو حرف، سپس سه حرف و نهایتاً هفت حرف را به این اختلافات قرائت تطبیق نمود. به عنوان مثال، نمی توان گفت که جبرئیل (ع) یک بار آیه «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ» را به همین صورت نازل کرد و بار دیگر آن را به صورت «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ» نازل نمود.

احتمال هفتم: اختلاف قرائات به معنی دیگر

در معنای هفتم، باز هم اختلاف در قرائات مطرح می شود، اما با بیان دیگری. در بیان قبلی، اختلاف قرائت از حیث تغییر یا عدم تغییر معنا و تغییر یا عدم تغییر لفظ مورد توجه قرار گرفت. اما در این معنا، اختلاف قرائت به اقسام دیگری تقسیم می شود:

1. اختلاف در قرائت اسماء از حیث مفرد، تثنیه، جمع، مذکر و مؤنث.
2. اختلاف در قرائت افعال از حیث ماضی، مضارع و امر.
3. اختلاف در اعراب.
4. زیاده و نقصان.
5. تقدیم و تأخیر.
6. ابدال.
7. لهجات (مانند فتح، اماله، ترقیق و تفخیم).

اشکالات مرحوم خویی به احتمال هفتم

مرحوم آیت الله خویی (ره) اشکالات اول، چهارم و پنجم مطرح شده در احتمال قبل را در اینجا نیز جاری می دانند. علاوه بر آن، اشکال دیگری را مطرح می کنند مبنی بر اینکه چرا بین اسم و فعل فرق گذاشته شده است؟ اختلاف در اسماء و افعال هر دو نوعی اختلاف در هیئت هستند، لذا دلیلی برای قرار دادن آنها در دو قسم جداگانه وجود ندارد. ایشان معتقدند که اگر بخواهیم تقسیم درستی برای «سبعة أحرف» ارائه دهیم، باید خود تثنیه، جمع، مذکر، مؤنث، ماضی، مضارع و امر را که هر کدام می توانند یک قسم مستقل باشند، به عنوان اقسامی جداگانه در نظر بگیریم. به همین ترتیب، ادغام و اظهار نیز باید هر کدام یک قسم مستقل محسوب شوند. سپس، ایشان خود یک تقسیم تقریباً فنی برای اختلاف در قرائات ارائه می دهند.

از نظر ایشان، اختلاف در قرائات به شش قسم تقسیم می شود:

1. اختلاف در هیئت دون الماده. مانند قرائت کلمه «واعد» به صیغه امر یا ماضی («واعد» یا «واعد»). یا قرائت کلمه «امانات» به صیغه جمع یا مفرد.
2. اختلاف در ماده دون الهیئة. مانند قرائت «ننشزها» به صورت «ننشرها» یا «ننشزها».
3. اختلاف هم در ماده و هم در هیئت. مانند «عهن» و «صوف».
4. اختلاف در هیئت جمله به اعراب. مانند قرائت «ارجلکم» به صورت «ارجلکم» یا «ارجلکم».
5. اختلاف تقدیم و تأخیر. اختلاف زیاده و نقصان.

آیت الله خویی (ره) معتقدند که تقسیم صحیح اختلاف در هیئت، همان تقسیم ارائه شده توسط ایشان است. به این معنا که اختلاف در هیئت یا دون الماده است، یا دون الهیئة است، یا در هر دوی آنها وجود دارد. تفاوتی بین فعل و اسم در این تقسیم

وجود ندارد. ایشان در ادامه، اختلاف در لهجه را از مقوله اختلاف در قرائت خارج می دانند. به نظر ایشان، قرائت به معنای تفاوت در خود کلمه است، نه در نحوه تلفظ آن. به عنوان مثال، تلفظ «قاف» به صورت «کاف» اختلاف در لهجه است، نه قرائت. «اسهد بلال» همان «اشهد بلال» است و نمی توان گفت که بین قرائت بلال و دیگران اختلاف در قرائت وجود دارد، بلکه اختلاف در لهجه است. لذا، ایشان معتقدند که ذکر اختلاف در لهجه در زمره اقسام اختلاف قرائت صحیح نیست.

احتمال هشتم: کثرت در آحاد

در معنای هشتم، «سبعة أحرف» به معنای کثرت در آحاد تلقی می شود. به این معنا که عدد هفت در این روایت خصوصیت ندارد، بلکه برای بیان کثرت به کار رفته است. همانطور که در عرف رایج است، برای بیان کثرت در میان اعداد یک تا ده از عدد هفت استفاده می شود و در میان اعداد ده تا صد، از عدد هفتاد، و در میان اعداد صد تا هزار، از عدد هفتصد استفاده می شود و این یک اصطلاح عرفی است که در گذشته وجود داشته و تا کنون نیز باقی مانده است. بر این اساس، «سبعة أحرف» دلالت بر کثرت دارد، نه عدد خاص.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در نقد این معنا می فرمایند که اولاً، این معنا خلاف ظاهر روایات است. ثانیاً، این معنا یک قول مستقل محسوب نمی شود، زیرا صرفاً دلالت بر کثرت دارد و باید یکی از معانی دیگر را به عنوان مصداق آن کثرت بیان نمود.

احتمال نهم: قرائات هفتگانه

در معنای نهم، «سبعة أحرف» به معنای قرائات هفتگانه مشهور در قرآن کریم تلقی می شود. این معنا به بحث تواتر یا عدم تواتر قرائات هفتگانه مرتبط است.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در بحث تواتر قرائات، متواتر بودن این قرائات را انکار کرده اند و محققین از علمای امامیه نیز منکر تواتر آنها هستند.

در اینجا، لازم است به اشتباهی که برخی مرتکب شده و با سخنان خود، اعتقاد متدینین به قرآن کریم را متزلزل کرده اند، اشاره کنم. قرآن کریم به همین صورتی که به دست ما رسیده است، از طریق ادله ای بالاتر از تواتر ثابت شده است. به این معنا که الفاظ و آیات قرآن کریم، بدون هیچ گونه زیاده و نقصانی، دقیقاً همان چیزی است که از زمان رسول اکرم (ص) به دست ما رسیده است. بحث در مورد معتبر بودن قرائت حفص و عادل یا فاسق بودن حفص، هیچ ارتباطی به تحریف قرآن ندارد. تحریف قرآن به معنای جابجایی یا کم و زیاد کردن کلمات است. ما معتقدیم که این قرآن، به صورت قطعی و از طریق هزاران و میلیون ها انسان، از زمان رسول خدا (ص) به دست ما رسیده است. همانطور که در مورد اشعار امرء القیس می گوئیم که قطعاً از اوست، قرآن کریم نیز قطعاً همان چیزی است که بر قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. در مورد اصل این قرآن، حتی نمی گوئیم متواتر است، بلکه می گوئیم از وضاحت و بدیهیات است. همانطور که اگر خبری توسط 50 خبرگزاری معتبر نقل شود، آن را متواتر نمی دانیم، بلکه از وضاحت می دانیم، قرآن کریم نیز چنین است. بنابراین، نباید با طرح بحث قرائات پنجگانه یا ششگانه و عادل یا فاسق بودن قراء، به ساحت مقدس قرآن کریم خدشه وارد کنیم.

اشکالات مرحوم خویی به احتمال نهم

مرحوم آیت الله خویی (ره) می فرمایند که اولاً، ما تواتر قرائات سبعة را قبول نداریم. ثانیاً، اگر منظور از قرائات سبعة، قرائات مشهور به طور مطلق باشد (اعم از متواتر یا غیر متواتر)، تعداد قرائات مشهور بسیار بیشتر از هفت مورد است.

ثالثاً، اگر منظور این باشد که غالب آیات قرآن کریم بر هفت وجه قرائت می شوند، این ادعا باطل است، زیرا در بسیاری از آیات، تنها دو قرائت وجود دارد و تعداد آیاتی که بر هفت وجه قرائت می شوند، بسیار اندک است.

رابعاً، اگر منظور از قرائات سبعة، قرائت برخی از کلمات قرآن کریم بر هفت وجه باشد، باز هم ایراد وارد است، زیرا در برخی از کلمات قرآن، تعداد قرائات بسیار بیشتر از هفت مورد است. به عنوان مثال، کلمه «عبد الطاغوت» 22 قرائت دارد و کلمه «اف» بیش از 30 قرائت دارد. لذا، اینکه بگوییم مراد از «سبعة أحرف»، قرائات هفتگانه متواتر است، با اشکالات متعددی مواجه است.

احتمال دهم: اختلاف لهجات

در نهایت، به معنای دهم، یعنی اختلاف لهجات می‌رسیم. مرحوم آیت الله خویی (ره) می‌فرمایند که «أحسن ما قيل» در مورد «سبعة أحرف» همین معنای دهم است. ایشان در اینجا پنج اشکال را مطرح می‌کنند که در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت و بحث را جمع بندی خواهیم کرد. هدف ما از بررسی دقیق کلمات مرحوم آیت الله خویی (ره) در مورد این روایت، روشن ساختن این مسئله بود که این روایت از اساس باطل است. اما مشکلی که وجود دارد این است که صاحب جواهر (ره) این روایت را در کتاب شریف کافی نقل کرده است. البته، روایات معارض دیگری نیز وجود دارد که در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] خوئی، ابوالقاسم، «البيان في تفسير القرآن: المدخل، فاتحة الكتاب»، ص 188.

منابع

خوئی، ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن: المدخل، فاتحة الكتاب، قم - ایران، مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي، بی‌تا.